

آیا نباید از دست امثال آقای دکتر عباسی خون گریه کرد؟

شماره پرسش: ۲۳۵۵۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ ۰۹:۱۹:۲۳

متن پرسش

سلام علیکم می خواستم با فرمایشتان در مورد آقای عباسی همدلی کنم. در یک سخنرانی دیگر ایشان در آستانه ۲۲ بهمن که مقام رهبری دعوت به حفظ وحدت کردند به رئیس جمهور و رئیس مجلس و نایب رئیس و رئیس خارجه می گویند: شما اگر میان مردم بیایید مردم به صورت شما تف می اندازند! نقایص و تقصیرات جدی این چهار نفر به جای خود اما آخر این طرز حرف زدن است؟ آیا این منجر به ترویج کینه و نفرت در بین گروه های سیاسی و ادامه اتهام تندروی که هیچ بی اخلاقی و خرابکاری به جناح انقلابی نمی شود؟ اگر فردا یکی از این آقایان به یک جلسه ای رفت و یکی از مردم برگشت به جای نقد و تبیین یک توهینی به ایشان کرد آن را به پای آقای عباسی و حامیان ایشان نمی نویسند؟ نمی دانم فکر که می کنم می گویم شاید حامیان ایشان بگویند خسارتی که این چهار نفر به کشور طی این ۶ سال زدن آنان را لایق چنین ادبیاتی می کند. ولی به این فکر کنند اگر همین ادبیات در کشور باب شود چه خواهد شد؟

<http://www.entekhab.ir/fa/news/۴۵۸۵۱۵/%D۹%۸۸%DB%۸C%D۸%AF%DB%۸C%D۹%۸۸-%D۸%AD%D۸%B۳%D۹%۸۶-%D۸%B۹%D۸%A۸%D۸%AY%D۸%B۳%DB%۸C-%D۹%۸۴%D۸%AY%D۸%B۱%DB%۸C%D۸%AC%D۸%AY%D۹%۸۶%DB%۸C-%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%AD%D۸%AY%D۹%۸۶%DB%۸C-%D۸%B۸%D۸%B۱%DB%۸C%D۹%۸۱-%D۹%۸۸-%D۹%۸۵%D۸%BY%D۹%۸۷%D۸%B۱%DB%۸C-%D۸%A۸%D۸%B۱%DB%۸C%D۸%AF-%D۸%A۸%D۹%۸۷-%D۸%AC%D۹%۸۷%D۹%۸۶%D۹%۸۵-%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۲%DB%۸C-%DA%A۹%D۹%۸۷-%D۹%۸۵%D۸%B۳%D۸%A۶%D۹%۸۸%D۹%۸۴%DB%۸C%D۸%AA-%D۸%B۴%D۹%۸۵%D۸%AY-%D۸%AA%D۹%۸۵%D۸%AY%D۹%۸۵-%D۸%B۴%D۹%۸۸%D۸%AF-%D۹%۸۵%D۸%B۱%D۸%AF%D۹%۸۵-%D۸%A۸%D۹%۸۷-%D۸%B۱%D۹%۸۸%DB%۸C-%D۸%B۴%D۹%۸۵%D۸%AY-%D۸%AA%D۹%۸۱-%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۸%AY%D۹%۸۶%D۸%AF%D۸%AY%D۸%B۲%D۹%۸۶%D۸%AF>

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا می داند من نگران حضور انقلابی هستیم که باید توسط نخبگان جامعه

پشتیبانی شود. بنده تنها نظر آقای دکتر صافیان که از شاگردان آقای دکتر داوری است و سخت به انقلاب اسلامی علاقه دارند را؛ برای شما می‌فرستم تا ببینید چرا انسانی که علاقه به این انقلاب و حضور تاریخی آن دارد، باید از دست امثال آقای دکتر عباسی خون‌گریه کند. موفق باشید

اما درد و دل آقای دکتر صافیان در مورد عرایض بنده:

برادر بزرگووارم استاد طاهر زاده عزیز

شوی حمله به معلم تفکر دکتر داوری را دیدم. بر این شخص که اوصافش معلوم اهل نظر است حرجی نیست. به فضایی می‌اندیشم که امثال او را قدر می‌نهد و بر صدر می‌نشانند. به این باید اندیشید که چه شده است که در بین ما عده‌ای هرچه بی‌پروا سخن گویند مأجور ترند و میدان دار تر. مگر مثل دکتر داوری در تاریخ معاصرمان چند تن داریم که چنین قربانی‌اش می‌کنیم. مگر واقعا از فیلسوف و متفکر انتظار داریم که نظر خود را با ما تنظیم کند. فیلسوف ما باید از عباسی‌ها بپرسد که چگونه فکر کند و چه نظر بدهد؟ از آن بالاتر آیا متفکر باید نظر فکری و فلسفی خود را از رهبر دینی و سیاسی بپرسد؟ در این صورت به چه معنا متفکر خواهد بود؟ در مذهب که تفکر ساعة خیر من سبعین سنه عباده شمرده می‌شود چگونه می‌توان بنام همان مذهب بزرگترین و بهترین سرمایه‌های فکری را به باد تکفیر و ناسزا گرفت؟ نتیجه این حملات شنیع و ناشی از تهی مغزی جز بسط بی‌فکری و نیست‌انگاری و اشاعه جو شخص پرستی و اطاعت کورکورانه چه خواهد بود؟ تفکر هرچه عمیق‌تر باشد همواره غریب بوده و خواهد بود. اما جامعه‌ای که نتواند دوست را از دشمن تمییز دهد و بویژه بنام دین همه را با تیغ تهمت و انگ‌های جاهلانه براند بر چه چیز تکیه خواهد کرد؟

سخنان سخیف این شخص چنانکه به درستی اشاره کرده‌اید قابلیت پاسخ‌گویی ندارد اما نگرانی از مجالی است که برای چنین رویه‌های ناصوابی ایجاد شده است. به نظرم باید بر چرایی آن اندیشید.

توفیق حضرت عالی مستدام باد.

و بد نیست باز نظر یکی از کاربران را نسبت به سخنان آقای عباسی و عرایض بنده بدانید که می‌فرماید:

۱. استاد سلام راستش من در عین اینکه نقدهای جدی به آقای عباسی دارم ایشان را بیرون از جبهه انقلاب نمی‌بینم. ۲. بعضی نقد‌های ایشان را مفید می‌دانم. ۳. اما به نظر من راه عبور از چنین فکری سکوت در مقابل اینها می‌باشد و علی بن یقطین وار در جبهه انقلاب کار کردن.

متأسفانه گوش‌بچه‌های حزب‌اللهی برای شنیدن این نوع ادبیات آماده‌تر است تا شنیدن سخنان جنابعالی ما باید بدون درگیر شدن صحبت خودمان را مطرح کنیم و طرح صحبت‌های خود ما نوعی

جدل هم محسوب می شود به نظر می آید اگر ما درست طرح موضوع کنیم و چشم انداز بهتری را جلوی پای جوانان حزب اللهی قرار بدهیم بدون درگیری از این نوع نگاه ها عبور می کنیم. ۴. اگر بدانیم که همین تفکرات کمر دولت نهم و دهم را شکست (البته آقای احمدی نژاد هم ضعف هایی داشت) و قدرت اینها را فهم کنیم شاید به صورت مستقیم هیچگاه به مصاف این دوستان نمی رویم. ۵. شاید گفتن این نکته هم خالی از لطف نباشد که علامه فرمود مشروطه خواهی اگر هیچ نکته مثبتی نداشت حداقل عارف کشی و صوفی کشی را متوقف کرد همین را در مورد دولت شیخ حسن روحانی می توان گفت و این که این دولت هرچقدر پر عیب و پر نقص بود اما با آمدنش زهر چنبن تفکراتی را گرفت و ما با دولت شیخ حسن از نهادینه شدن نوعی تکفیر در جامعه عبور کردیم. شاید علت این که رهبری با تمام نقص ها همچنان بر ماندن این دولت اصرار دارند را این می بینم که بسیاری از گروههایی که به اسم انقلاب در حال تکفیر بودن، قدرت اجتماعی آنها یا از بین رفت یا به شدت ضعیف شدند و نتوانستند به اصل انقلاب ضربه به زنند. (اگر آزادی را اصل انقلاب بدانیم آزادی که نه تنها با اسلام مخالفت ندارد بلکه آن نوع از آزادی همان اسلام است).